

## ● گزارش‌ها و تحلیل‌ها

# اروپایی امن تر در دنیایی بهتر<sup>۱</sup>

خاویر سولانا<sup>۲</sup>

تدریجی اتحادیه اروپا، دورنمای قاره‌ای متحد و صلح آمیز را به یک واقعیت تبدیل می‌نماید. ایالات متحده امریکا نقشی کلیدی در این موفقیت، از طریق حمایت خود از همگرایی اروپا و تعهد امنیتی خود از طریق ناتو، ایفا نموده است.

پایان جنگ سرد تهدیدها و چالش‌های

اروپا هرگز به این اندازه خوشبخت، امن و آزاد نبوده است. خشونت نیمه اول قرن بیستم جای خود را به ثبات و صلح بی‌سابقه‌ای در تاریخ اروپا داده است.

تشکیل اتحادیه اروپا نسبت به این تحول نقشی مرکزی<sup>۳</sup> داشته است. این امر روابط بین دولت‌های ما و زندگی ملت‌های ما را متحول نموده است. کشورهای اروپایی خود را

متعهد نموده‌اند که به شکل مسالمت‌آمیز با اختلافات برخورد نمایند و از طریق نهادهای مشترک با یکدیگر به همکاری مبادرت ورزند. در خلال این مدت (از زمان تشکیل اتحادیه تاکنون)، رژیم‌های اقتدارگرا<sup>۴</sup> به دموکراسی‌های امن، باثبات و پویا تغییر یافته‌اند. بزرگ شدن

### 1. A Secure Europe in a Better World

۲. این سخنرانی توسط خاویر سولانا نماینده ارشد اتحادیه اروپا برای سیاست مشترک خارجی و امنیتی در شورای اروپا، تسالونیک، بیستم ژوئن ۲۰۰۳ ایراد شده است. این متن در واقع پیش‌نویس استراتژی امنیتی جدید اتحادیه اروپایی است.

### 3. Central

### 4. Authoritarian Regimes

امنیتی کشورهای اروپا را به پایان نبرد، رخداد منازعه در بالکان، یادآور این واقعیت است که جنگ از قاره ما ناپدید نشده است.

در خلال دهه گذشته هیچ یک از مناطق جهان از منازعه مضمون نبوده است. اغلب این منازعات بیشتر در درون دولت‌ها تا در میان آن‌ها شکل گرفته است. در طول این دهه نیروهای اروپایی بیشتر از دهه‌های قبل به مأموریت‌های برون مرزی، شامل مکسان‌هایی به دوری افغانستان، کنگو و تیمور شرقی گسیل شده‌اند.

خاتمه جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا را در وضعیتی مسلط<sup>۱</sup> به عنوان یک بازیگر نظامی قرار داد. به گونه‌ای که هیچ یک از کشورها و یا گروهی از آنان نمی‌توانند به چنان توانایی نزدیک شوند. در هر حال، هیچ کشوری امروزه به تنهایی نمی‌تواند مسائل پیچیده خود رارتق و فتق نماید.

اتحادیه اروپا، به عنوان اتحادیه‌ای با ۲۵ دولت و ۴۵۰ میلیون نفر جمعیت که ربع محصول ناخالص جهان را تولید می‌کند؛ بخواهیم یا نخواهیم، یک بازیگر جهانی است. این اتحادیه باید آماده باشد تا در مسؤلیت برای امنیت جهانی مشارکت ورزد.

تهدیدهای جدید در محیط امنیتی جدید

**محیط جدید:** محیط دوران پس از جنگ سرد محیطی است که در آن به شکل متزاید مرزها باز می‌شوند. جریان تجارت و سرمایه‌گذاری، توسعه فن‌آوری و گسترش دموکراسی، آزادی و خوشبینی رو به رشدی را برای بسیاری از مردم به همراه آورده است. این تحولات میدان را برای گروه‌های غیردولتی به منظور به عهده گرفتن نقش در بازی بین‌المللی افزایش داده است. به رغم این روندهای تشویق‌کننده، مسائل زیادی نیز بدون حل مانده و برخی از آن‌ها حتی به وخامت گراییده است.

منازعات منطقه‌ای در مسیر سرعت بخشیدن به بی‌ثباتی، مختل نمودن فعالیت اقتصادی و کاهش فرصت‌ها برای مردم زیربط قرار دارند. مسائلی مانند مسأله کشمیر و شبه جزیره کره به نحو مستقیم و غیرمستقیم بر علائق اروپا تأثیر می‌گذارند. منازعاتی که از نظر جغرافیایی به قاره اروپا نزدیک‌تر هستند و در رأس آنها منازعه خاورمیانه بر اروپا تأثیر می‌گذارد.

تقریباً ۳ میلیارد نفر انسان - نیمی از

1. Dominant

اقتصادی را غیرممکن می‌سازد. تعدادی از کشورها و مناطق جهان در معرض‌گیر افتادن در ماریپج تنزلی "منازعه- ناامنی- فقر" قرار دارند. افزایش دما- که توسط اغلب دانشمندان برای دهه‌های آینده پیش‌بینی شده- گرچه نه به شکل تهدیدی با مفهوم متعارف استراتژیک، اما احتمالاً نابسامانی‌های جوی و جابه‌جائی‌های مهاجرتی را در تعدادی از مناطق جهان ایجاد خواهد کرد.

وابستگی به انرژی همچنین یک نگرانی است. اروپا بزرگترین واردکننده نفت و گاز در جهان است. امروز واردات شامل حدود ۵۰ درصد از مصرف انرژی می‌شود. این رقم در ۲۰۳۰ به ۷۰ درصد خواهد رسید، اغلب انرژی وارداتی از خلیج (فارس)، روسیه و شمال آفریقا تأمین می‌شود.

تهدیدهای جدید: تهاجم اکنون برضد هریک از کشورهای عضو در مقیاس بزرگ غیرممکن است. در عوض، اروپا با تهدیدهای جدیدی که اکنون متنوع‌تر اما کمتر قابل رؤیت و پیش‌بینی

جمعیت کره زمین- از سطح زندگی و معاش روزانه‌ای کمتر از ۲ یورو برخوردار می‌باشند. ۴۵ میلیون نفر هر سال همچنان به دلیل سوء تغذیه و گرسنگی می‌میرند. کشورهای جنوب صحرائی آفریقا<sup>۱</sup> امروز از ده سال پیش فقیرترند. در بسیاری موارد شکست در دست‌یابی به رشد اقتصادی با مسائل سیاسی و منازعات خشونت‌آمیز مرتبط بوده است. در برخی قسمت‌های جهان، به‌خصوص در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا، چرخه‌ای از ناامنی به وجود آمده است. از سال ۱۹۹۰ تقریباً ۴ میلیون نفر در جنگ‌ها کشته شده‌اند که ۹۰ درصد آنان غیرنظامیان بوده‌اند. بیش از ۱۸ میلیون نفر در سراسر جهان خانه و یا کشورهایشان را در اثر منازعات رها نموده‌اند.

بد حکومت کردن<sup>۲</sup> غالباً در قلب این مسائل قرارداد فساد، سوء استفاده از قدرت، نهادهای ضعیف و فقدان حسابگری، کشورها را از درون پوسانده و به ناامنی منطقه‌ای کمک نموده است. امنیت پیش شرط توسعه است. منازعه نه تنها زیرساخت‌ها، مانند زیرساخت‌های اجتماعی را نابود می‌کند؛ بلکه ارتکاب جرائم رانیز تشویق نموده، سرمایه‌گذاری را فراری داده و فعالیت عادی

1. Sub-sahara Africa
2. Bad governance

هستند، مواجه است. به خصوص، اروپا با سه تهدید کلیدی مواجه می‌باشد:

۱. تروریسم: تروریسم بین‌المللی یک تهدید استراتژیک است. این تهدید زندگی‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ هزینه‌های بزرگی را تحمیل می‌کند؛ بردباری و بازبودن جوامع ما را تهدید می‌کند. تروریسم جدید از سازمان‌های تروریستی که ما با آنها آشنا هستیم، متفاوت است. نه تنها این تروریسم پدیده‌ای بین‌المللی است و از طریق شبکه‌های الکترونیکی به یکدیگر وصل و به خوبی تجهیز مالی شده، بلکه از قیود مربوط به سازمان‌های متعارف تروریستی نیز آزاد است. سازمان‌های متعارف تروریستی چون معمولاً در آرزوی حمایت سیاسی هستند، نوعی خویشتن‌داری را تمرین می‌کنند، آنها در نهایت ممکن است برای جلوگیری از خشونت تن به مذاکره بدهند، جنبش‌های نو تروریستی به نظر می‌رسد در پی استفاده از خشونت نامحدود و ایجاد تخریب‌های انبوه می‌باشند. به این دلیل، ایده به دست آوردن سلاح‌های کشتار جمعی، در حالیکه برای سازمان‌های تروریستی متعارف

جالب نیست، برای آنان جذاب است.

برای تروریست‌های نو، اروپا هم یک هدف است و هم یک پایگاه پایگاه‌های تدارکاتی القاعده در انگلستان، ایتالیا، آلمان، اسپانیا و بلژیک کشف شده‌اند. القاعده کشورهای اروپایی را هدف بالقوه اعلام نموده است. حملات عمده بر منطقه سرزمینی ما برنامه‌ریزی شده، اما خوشبختانه شکست خورده‌اند.

جدیدترین موج تروریسم به بنیادگرایی مخرب مذهبی<sup>۱</sup> مرتبط است. این رخداد برگشت به دلایل پیچیده‌ای شامل فشارهای مدرن‌سازی، بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد. این رخداد همچنین بخشی از جامعه خودمان می‌باشد.

۲. تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی: گسترش سلاح‌های کشتار جمعی مهم‌ترین تهدید بر ضد امنیت ملت‌ها است. رژیم‌های معاهدات بین‌المللی و ترتیبات کنترل صادرات، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (WMD) و سیستم‌های تحویل را کند نموده است. در هر حال، ما اکنون

## 1. Violent Religious Fundamentalism

است. در برخی موارد، این رخداد سبب وقوع اتفاقی نزدیک به سقوط نهادهای دولتی شده است. سومالی، لیبیا و افغانستان بهترین مثال‌های دانسته شده اخیر می‌باشند. ضعف دولت اغلب موارد توسط عوامل جنایت کارانه ایجاد شده و یا مورد استثمار قرار می‌گیرد. درآمدهای ناشی از مواد مخدر، ضعف ساختاری دولت‌های تولید کننده مواد مخدر را شعله‌ور می‌سازد؛ در افغانستان، درآمد مواد مخدر، طالبان و گروه‌های مسلح دیگر را در قدرت نگهداشته است. به موازات این که دولت‌ها با ناکامی مواجه می‌شوند، جنایات سازمان یافته جای آنها را می‌گیرند. فعالیت‌های جنایت کارانه در چنین دولت‌هایی بر امنیت اروپا تأثیر می‌گذارند. جریان‌های غیرقانونی مواد مخدر و مهاجران از طریق کشورهای بالکان، اروپای شرقی و آسیای مرکزی به اروپا می‌رسند.

با در نظر گرفتن این عوامل در کنار یکدیگر می‌توان گفت که تروریسم متعهد شده که خشونت، دسترسی به سلاح‌های کشتار جمعی و شکست سیستم‌های دولتی را به حداکثر رساند. در این صورت مامکن است

به مقطع زمانی خطرناک و جدیدی که احتمال مسابقات تسلیحاتی WMD را افزایش می‌دهد، وارد شده‌ایم. گسترش فن‌آوری موشک عنصر دیگری از بی‌ثباتی را مطرح نموده و اروپا را هم درحالت خطر فزاینده قرار می‌دهد.

ترسناک‌ترین سناریو آن است که گروه‌های تروریستی سلاح‌های کشتار جمعی را به دست آورند. هر چه گسترش اینگونه سلاح‌ها بیشتر ادامه یابد، ریسک فوق بیشتر خواهد بود. در این حال، یک گروه کوچک قادر خواهد بود که در مقیاسی که قبلاً فقط برای دولت‌ها و ارتش‌ها امکان‌پذیر بود، خسارت وارد کند. در اینگونه موارد، بازدارندگی شکست خواهد خورد. پیشرفت‌های حاصله در علوم بیولوژیک ممکن است قابلیت سلاح‌های بیولوژیک را در سال‌های آینده افزایش دهد؛ حملات از طریق مواد شیمیایی یک امکان جدی به شمار می‌رود.

**۳. دولت‌های شکست خورده و جنایات سازمان یافته:** در بسیاری از بخش‌های جهان بد حکومت کردن، منازعات غیرنظامی و دسترسی آسان به سلاح‌های کوچک به تضعیف دولت‌ها و ساختارهای اجتماعی انجامیده

1. Failed States and Organized Crime

واقعاً با یک تهدید بسیار رادیکال (تند) مواجه باشیم.

### اهداف استراتژیک

دنایای جدید، چشم‌اندازی روشن‌تر از آنچه بشر تاکنون می‌دانسته و به طور همزمان آینده‌ای ترسناک‌تر را ترسیم می‌کند. این که کدام یک از این دو اتفاق می‌افتد، تاحدی به اقدامات ما بستگی دارد. این نوشته سه هدف استراتژیک را برای اتحادیه اروپا پیشنهاد می‌کند. اول این که ما می‌توانیم سهم به خصوصی در ثبات و خوب حکومت کردن همسایگان بلافصل<sup>۱</sup> خود ایفا نماییم. دوم این که به طور وسیع‌تر ما نیازمندیم که نظامی بین‌المللی را متکی بر چند جانبه‌گرایی مؤثر بنا نماییم. بالاخره این که ما باید با تهدیدات جدید و قدیم برخورد نماییم.

امتداد دادن ناحیه امنیتی به دور اروپا<sup>۲</sup>: حتی در دوره جهان‌گرایی هم، جغرافیا هنوز مهم است. به نفع اروپا است که کشورهای هم‌مرز با ما خوب اداره شوند. همسایگانی که در منازعات خشونت‌گرایانه درگیر شده‌اند، دولت‌های ضعیفی که جرابم سازمان یافته را

شکوفای نموده‌اند، جوامع با سوء رفتار یا رشد جمعیت انفجار آمیز در همسایگی اروپا، مسائلی را برای اروپا مطرح نموده‌اند.

اتحاد مجدد اروپا و همگرایی کشورهای پذیرفته شده، امنیت ما را افزایش می‌دهد؛ اما اروپا را به نواحی مشکل‌دار نزدیک می‌سازد. وظیفه ما ارتقای حلقه‌ای از کشورهای با اداره خوب در شرق و مرزهای مدیریت‌شده‌ای اتحادیه اروپاست به گونه‌ای که بتوانیم از همکاری و روابط نزدیک بهره ببریم.

اهمیت این موضوع به بهترین وجه در بالکان به تصویر کشیده می‌شود. جایی که اتحادیه اروپا به همراه ناتو و همکاران دیگر خود، خویش را به حصول ثبات، اداره نمودن خوب حکومت‌ها و نزدیک‌ترین همگرایی ممکن منطقه با اروپا متعهد می‌نماید.

پس از شکست‌های دهه ۱۹۹۰، اتحادیه اروپا در خلال سال‌های گذشته به شکل چشم‌گیری خود را در غرب بالکانی که هنوز هم شکننده است، درگیر نموده است. این امر سبب

1. Immediate Neighbourhood
2. Extending the Zone of Security around Europe

اتحادیه اروپا در این موضوع بیش از ۲۰ سال است که درگیر می‌باشد، این موضوع به عنوان یک علاقه اساسی، قرار است از طریق گروه چهارجانبه<sup>۳</sup> به پیش رود.

منطقه مدیترانه به طور کلی با در برداشتن مشکلات رکود اقتصادی، ناآرامی اجتماعی و منازعات حل نشده همچنان به پیش می‌رود. علائق اتحادیه اروپا اقتضاء دارد که تبادل نظر و ارتسباط مداوم با همکاری مدیترانه‌ای از طریق همکاری مؤثرتر اقتصادی، امنیتی و فرهنگی در چارچوب فرآیند بارسلون ادامه یابد.

1. Former Yugoslov Republic of Mecedonia

2. The Stabilization and Association Process

۳. Quartet، منظور می‌تواند تشکیلات جدید در اتحادیه اروپا باشد که علاوه بر رییس فعلی، رییس آینده و نماینده شورای وزیران (تروئیکا)، مثلاً نماینده کمیسیون را هم شامل شود، می‌تواند همچنین شامل روسیه، امریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل در مسأله حل و فصل منازعه اعراب باشد. همچنین ممکن است منظور چهار جانب فلسطین، اسرائیل، امریکا و اتحادیه اروپا در این موضوع باشد، در هر حال احتمال اول اقوی است.

کمک به با ثبات نمودن وضعیت در جنوب صربستان و FYROM (جمهوری سابق یوگسلاو مقدونیه)<sup>۱</sup> شده و ترتیبات قانون اساسی بین صربستان و مونته‌نگرو را تسهیل نموده است. اتحادیه اروپا مأموریت پلیسی در بوسنی و هرزگوین را از سازمان ملل و عملیات نظامی در مقدونیه را از ناتو گرفته و تصدی نمود. به کمک تثبیت‌سازی و فرایند همراهی<sup>۲</sup> اتحادیه اروپا چارچوبی مؤثر برای انجام اصلاحات و پیشرفت به سوی اروپا ایجاد نمود. به نفع ما نیست که فرایند بزرگ شدن اتحادیه، خطوط تقسیم جدیدی را در اروپا ایجاد نماید. ما لازم است که منافع اقتصادی و سیاسی را به همسایگان آینده خود در شرق - اوکراین، مولداوی و بلاروس - درحالی‌که مشکلات سیاسی آنجا را حل می‌نماییم، اعطاء نماییم. ما باید علاقه‌ای قوی‌تر در مسائل جنوب قفقاز، که همسایگان منطقه‌ای ما خواهند بود، اتخاذ نماییم.

قطعنامه منازعه اعراب و اسرائیل یک اولویت استراتژیک برای اروپا است. بدون این، شانس کمی برای حل و فصل موفقیت‌آمیز مسائل دیگر در خاورمیانه وجود خواهد داشت.

تقویت نمودن نظم بین‌المللی: در دنیای تهدیدات جهانی، بازارهای جهانی و رسانه‌های جهانی، امنیت و خوشبختی ما به یک سیستم مؤثر چندجانبه بستگی دارد. توسعه یک جامعه قوی‌تر بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی با کارکرد بهتر و نظم مبتنی بر قانون بین‌المللی باید هدف ما باشد.

این مطلب که پس از جنگ سرد، در نهادهای کلیدی سیستم بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی و نهادهای مالی بین‌المللی عضویت گسترش یافته، مورد حمایت است. چین به سازمان تجارت جهانی پیوسته و روسیه تقاضای ورود نموده است. این باید هدف ما باشد که عضویت در اینگونه مؤسسات را همزمان با حفظ استانداردهای بالای آنها گسترش دهیم.

یکی از عناصر مرکزی در سیستم بین‌المللی روابط فزاینده‌ای است. این امر نه تنها به نفع دو طرف (آتلانتیک) است، که تقویت‌کننده جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل می‌باشد، ناتو یک بیان مهم از این رابطه است.

سازمان‌های منطقه‌ای همچنین تقویت‌کننده اداره جهانی<sup>۱</sup> هستند، برای اتحادیه اروپا،

تقویت و مؤثر بودن سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) و شورای اروپا اهمیت ویژه دارد. سازمان‌های منطقه‌ای دیگر مانند آسه‌آن، مرکوسور و اتحادیه آفریقا شرکای مهم می‌باشند. چسارچوب بنیادی برای روابط بین‌المللی منشور سازمان ملل است. تقویت سازمان ملل، تجهیز آن به منظور این که مسؤلیت‌های خود را ایفا نموده و به طور مؤثر عمل کند، باید یک اولویت اروپایی باشد. اگر ما سازمان‌های بین‌المللی را می‌خواهیم و رژیم‌ها و معاهدات قرار است در مقابله با تهدیدات نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی مؤثر باشند، در صورتی که قواعد بخواهند شکسته شوند، باید آماده اقدام باشیم.

این مطلب یک شرط نظم بین‌المللی مبتنی بر قاعده است که قوانین در واکنش به تحولاتی نظیر تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی، تروریسم و گرم شدن کره زمین، تغییر یابند. ما علاقه‌مند به توسعه بیشتر نهادهای موجود مانند سازمان جهانی تجارت و پشتیبانی از نهادهای جدید مانند دادگاه بین‌المللی کفزی می‌باشیم.



نماید.

تعدادی از کشورها خود را خارج از حد و مرز جامعه بین‌المللی جای داده‌اند. برخی در جستجوی عزلت هستند، برخی دیگر به طور مصرانه‌ای هنجارهای بین‌المللی اداره داخلی و یا رفتار بین‌المللی را نقض نموده‌اند. مطلوب است که این کشورها به جامعه بین‌المللی بازگردند و آنهایی که نمی‌خواهند چنین کنند باید متوجه باشند که برای این کار آنان قیمتی است که باید پردازند، این قیمت شامل روابطشان با اتحادیه اروپایی می‌شود.

مقابله با تهدیدات: اتحادیه اروپا در برخورد با تهدیداتی که توسط تروریسم، تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، دولت‌های شکست خورده و جرائم سازمان یافته معرفی شده‌اند، فعال بوده است.

- اتحادیه اروپا به رویداد ۱۱ سپتامبر از طریق مجموعه‌ای از اقدامات که شامل ایجاد سیستم هشدار اروپایی<sup>۴</sup>، حمله به تأمین مالی تروریسم و موافقت نامه با امریکا بر مبنای ارائه

کیفیت جامعه بین‌المللی به کیفیت دولت‌هایی که بنیادهای آن محسوب می‌شوند، بستگی دارد. بهترین حمایت از امنیت ما، داشتن دنیایی با دولت‌های خوب اداره شده دمکراتیک است. اشاعه اداره خوب<sup>۱</sup>، برخورد با فساد و با سوء استفاده از قدرت، ایجاد حکومت قانون و حمایت از حقوق بشر بهترین ابزارهایی هستند که نظم بین‌المللی را تقویت می‌کنند.

سیاست‌های تجارت و توسعه می‌توانند ابزارهای قدرتمندی برای ارتقای اصلاحات باشند. به عنوان بزرگ‌ترین تأمین کننده کمک‌های رسمی، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن موقعیت خوبی جهت پیگیری این اهداف دارند. کمک به اداره خوب از طریق برنامه‌های کمک، مشروط سازی (اقدامات اقتصادی کلان به ضوابط خاصی از سوی صندوق بین‌المللی پول)<sup>۲</sup> و اقدامات تجاری هدفمند باید یک عنصر مهم در استراتژی امنیتی اتحادیه اروپا باشد. دنیایی که در آن عدالت و فرصت به هر فرد داده شود، برای اتحادیه اروپا و ساکنان آن امن‌تر است. درگیر شدن (در موضوعات)<sup>۳</sup> به منظور پیشگیری می‌تواند از مسائل جدی‌تر در آینده جلوگیری

1. Spreading good Governance
2. Conditionality
3. Pre-emptive engagement
4. European Arrest Warrant

کمک حقوقی متقابل می‌شود، واکنش نشان داده است.

- اتحادیه اروپا در خلال سال‌های طولانی سیاست‌هایی را بر ضد تکثیر سلاح‌های هسته‌ای پیگیری نموده است. اتحادیه هم اکنون با برنامه دیگری از اقدامات موافقت نموده که مرحله‌ای را به منظور تقویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اقداماتی را به منظور تنگ‌تر نمودن کنترل بر صادرات و برخورد با حمل و خرید غیرقانونی پیش بینی نموده است.

- اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو مداخله نموده‌اند تا دولت‌های شکست خورده شامل دولت‌های بالکان، افغانستان، تیمور شرقی و دولت‌های افریقایی (آخرین آنها در کنگو) به روی پای خود بایستند.

چند نکته مشترک خاص در خصوص این تهدیدات و راه برخورد با آنان مورد تأکید قرار می‌گیرد.

تهدیدات دوره جدید غالباً دور هستند. در دوره جهان‌گرایی، تهدیدات دور می‌توانند به همان اندازه نگران‌کننده باشند که تهدیدات نزدیک. فعالیت‌های هسته‌ای در کره شمالی، خطرات هسته‌ای در جنوب آسیا و تکثیر

سلاح‌های هسته‌ای در خاور میانه همگی برای اروپا نگران‌کننده هستند. تروریست‌ها اکنون می‌توانند در سراسر جهان عمل نمایند: اقدامات آنان در جنوب شرقی و مرکز آسیا ممکن است یک تهدید برای کشورهای اروپایی و ساکنان آن باشد. در ضمن، ارتباطات جهانی به آن معنی است که تراژدی‌های انسانی در دولت‌های شکست خورده در هر جای جهان که باشند می‌تواند نگرانی عمیق در افکار اروپایی ایجاد نماید.

مفهوم سنتی ما از "خود-دفاعی" تا دوره جنگ سرد و شامل آن دوره- مبتنی بر تهدید اشغال بود. با تهدیدات جدید، خط اول دفاع غالباً خارج از مرزها خواهد بود.

تهدیدات جدید پویا هستند. از این گذشته، آنها در حال خطرناک شدن می‌باشند. خطر ناشی از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای در طول زمان در حال رشد است، از این گذشته، شبکه‌های تروریستی در حال خطرناک شدن می‌باشند (ما باید با القاعده زودتر از این برخورد می‌کردیم). شکست دولت و جرائم سازمان یافته اگر نادیده گرفته شوند، توسعه خواهند یافت، همانگونه که ما در غرب آفریقا شاهد آن

وضعیت‌های چندبعدی به خوبی مجهز است.

### تلویحات سیاستی برای اروپا

اتحادیه اروپا در توسعه یک سیاست خارجی منسجم و مدیریت بحران مؤثر در چند سال گذشته پیشرفت حاصل نموده است. ما ابزارهایی در دست داریم که می‌توانند به طور مؤثر استفاده شوند، همانگونه که در کشورهای بالکان (و اکنون وسیع‌تر) آن را نشان داده‌ایم. اما اگر قرار است که مشارکتی را انجام دهیم که با پتانسیل ما همخوانی داشته باشد، باید فعال‌تر، منسجم‌تر و توانمندتر باشیم.

فعال‌تر در پیگیری اهداف استراتژیکمان، به خصوص سیاست‌های فعال‌تری مورد نیاز است تا با تهدیدهای جدید، پویا مواجه شویم. به عنوان اتحادیه‌ای با ۲۵ عضو، که مبلغ کلی را به اندازه ۱۶۰ میلیارد یورو بر امر دفاع خرج می‌کند، ما باید، اگر لازم بود بتوانیم عملیات متعددی را به طور همزمان ادامه دهیم. ما باید فرهنگ استراتژیکی را توسعه دهیم که بتواند مداخله زود، سریع و اگر لازم بود قوی را تشویق نماید. ما باید به طور خاص در مورد عملیاتی که هم توانایی‌های نظامی و هم

هستیم. این به آن معنی است که ما باید، پیش از آن که بحرانی اتفاق بیفتد، آماده اقدام باشیم. پیشگیری از منازعه و تهدید نمی‌تواند از خیلی زود شروع شود.

برخلاف تهدید وسیع قابل رؤیت در دوره جنگ سرد، هیچ یک از تهدیدات جدید صرفاً نظامی نیستند؛ هیچ یک از آنان نمی‌توانند تنها با برخوردی نظامی حل شوند. هر یک از آنان ترکیبی از ابزارها را می‌طلبند. تکثیر سلاح‌های هسته‌ای ممکن است از طریق کنترل صادرات، فشارهای سیاسی، اقتصادی و سایر فشارها محدود گردد. درحالی که ریشه‌های سیاسی آنها مورد برخورد قرار گیرد، حل می‌شوند، برخورد با تروریسم ممکن است ترکیبی از ابزارهای اطلاعاتی، سیاسی، نظامی و غیر آن را لازم داشته باشد. در دولت‌های شکست خورده، ممکن است ابزارهای نظامی برای برگرداندن نظم و ابزارهای انسانی برای مداوای بحران نیاز باشند. ابزارهای اقتصادی در خدمت تجدید ساختار و نوسازی هستند، مدیریت بحران‌های غیرنظامی به برگرداندن دولت غیرنظامی کمک می‌کند. اتحادیه اروپا به طور خاص برای واکنش نسبت به این

سیاست‌های تجارت و محیط زیست، باید همان دستور کار را تعقیب نمایند. در یک بحران هیچ جایگزینی برای وحدت در فرماندهی وجود ندارد.

انسجام بیشتر نه تنها در بین ابزارهای اروپایی بلکه در مورد فعالیت‌های خارجی هر یک از دولت‌های عضو نیاز است. کمک خارجی اتحادیه بالغ بر حدود ۷ بیلیون یورو در سال است، دولت‌های عضو در حدود ده برابر آن خرج می‌کنند.

تواناتر، اروپای تواناتر در میان چنگ‌های ماست. گرچه تا تحقق یافتن پتانسیل کامل ما زمان نیاز است. ما لازم است به طور ویژه به موضوعات زیر توجه نماییم:

- منابع بیشتر برای دفاع، اگر ما درباره تهدیدات جدید و خلق نیروهای انعطاف پذیرتر و متحرک‌تر جدی هستیم، باید به منابع دفاعی خود بیفزاییم.

- دارایی‌های دفاعی به میزان زیادی در تمامی (کشورهای عضو) اتحادیه اروپا وجود دارد. استفاده سیستماتیک از دارایی‌های روی هم ریخته شده و مشارکتی، هزینه‌های معمولی را کاهش خواهد داد و در میان مدت، بر

غیرنظامی در آن‌ها دخالت دارند، فکر نماییم. این ناحیه‌ای است که ما می‌توانیم ارزش ویژه جمع نماییم. یک اتحادیه اروپا که فعال‌تر است، اتحادیه‌ای است که وزن سیاسی بزرگتری را در همه شرایط داراست، حتی جایی که مداخله نظامی و غیرنظامی تدبیر نشده باشد.

منسجم‌تر، نکته سیاست مشترک خارجی و امنیتی و سیاست دفاعی و امنیتی اروپایی این است که ما قوی‌تر هستیم وقتی که با یکدیگر عمل نماییم. در خلال سال‌های اخیر ما تعدادی از ابزارهای متفاوت را ایجاد نموده‌ایم، که هر یک از آنان ساختار و منطق خاص خود را دارا است. اکنون چالش این است که ابزارها و توانمندی‌های متفاوت را در یکجا جمع نماییم: برنامه‌های کمک اروپایی، توانمندی‌های نظامی و غیرنظامی از دولت‌های عضو و ابزارهای دیگر مانند صندوق توسعه اروپایی، همه اینها می‌توانند بر امنیت ما و کشورهای جهان سوم اثر داشته باشند. امنیت شرط اول توسعه است. هدف ما باید ایجاد یک اثر مضاعف از طریق رویکردی منسجم‌تر و جامع‌تر باشد.

کوشش‌های دیپلماتیک، توسعه،

بین دولت‌های عضو و شرکاء، ارزیابی یک تهدید مشترک بهترین پایه برای اقدام مشترک است.

- به موازات اینکه ما توانمندی‌های خود را در موضوعات مختلف افزایش می‌دهیم، باید بر حسب طیف وسیع‌تری از مأموریت‌ها بیندیشیم. علاوه بر وظایف پترزبورگ<sup>۱</sup> این مأموریت می‌تواند شامل عملیات مشترک خلع سلاح، حمایت از کشورهای جهان سوم در جنگیدن بر ضد تروریسم و اصلاحات در بخش امنیتی باشد. اقدام اخیر بخشی از نهادسازی به مفهوم وسیع‌تر می‌باشد.

#### کارکردن با شرکاء

اگر مسائل کمی وجود داشته باشد، ما در میان خود می‌توانیم با آنها برخورد نماییم. تهدیداتی که در بالا توصیف شد تهدیدات مشترک هستند، که با شرکای نزدیک در آنها سهم هستیم. همکاری بین‌المللی یک ضرورت است. ما لازم است که اهداف خود را هم از طریق همکاری چندجانبه در سازمان‌های بین‌المللی و هم از طریق مشارکت با سایر

توانایی‌ها خواهد افزود.

- توانایی بیشتر در به‌کارگیری منابع شخصی (غیرنظامی) برای استفاده در وضعیت‌های بحرانی و پس از بحران، به طور خاص، ما باید به ترتیبات قوی‌تر برای برنامه‌ریزی شخصی (غیرنظامی) و پشتیبانی از مأموریت توجه نشان دهیم. در تقریباً هر مداخله عمده کارایی نظامی توسط یک بی‌نظمی شخصی (غیرنظامی) پیروی شده است.

- توانایی دیپلماتیک قوی‌تر، اگر هر آینه ما در پی بهترین استفاده سیاسی از منابع دیگر باشیم، این توانایی به همان درجه اهمیت دارد که توانایی نظامی و غیرنظامی. تهدیداتی که ما با آنها سروکار داریم، از نظر جغرافیایی دورتر و (از نظر ماهیت) خارجی‌تر از تهدیداتی است که در خلال دوره جنگ سرد وجود داشت. فهم و درک والاتر از کشورهای خارجی مورد نیاز است. ما بیش از ۴۵۰۰۰ دیپلمات داریم. در اینجا نیز روی هم ریختن (دیپلمات‌ها) توانمندی را افزایش می‌دهد. ما احتیاج داریم که سیستمی را توسعه دهیم که منابع دولت‌های عضو را با منابع موجود در نهادهای اتحادیه اروپا تلفیق کند.

- تشریک اطلاعات (مخفی) بهبود یافته در

1. Petersburg tasks

بازیکنان کلیدی یا بازیکنان منطقه‌ای پیگیری نماییم.

درخصوص اخیر، روابط ماورای آتلانتیک غیرقابل جایگزین هستند. اتحادیه اروپا و آمریکا با یکدیگر می‌توانند نیروی تحسین برانگیزی<sup>۱</sup> برای همیشه در جهان باشند. اگر ما بر توانمندی‌های خودبه تدریج بیفزاییم و انسجام آن را افزایش دهیم، قادر خواهیم بود که بازیگری معتبرتر و شریکی تأثیرگذارتر باشیم.

ما باید به ارتقای توانایی کارکردن خود با بازیگران کلیدی دیگر ادامه دهیم. اتحادیه اروپا با سراسر دنیا رابطه دارد، اما در سال‌های آینده ما باید به طور ویژه بر توسعه مشارکت استراتژیک خود با روسیه، ژاپن، چین، کانادا و هند متمرکز باشیم. این شرکاء به طور فزاینده نقش مهم در مناطق خود و ورای آن ایفاء می‌نمایند. هیچ یک از روابط ما انحصاری<sup>۲</sup> نیست، ما آماده ایستاده‌ایم تا مشارکت فعال با هر کشوری که با اهداف و ارزش‌های ما سهیم بوده و آماده است تا در حمایت از آنان اقدام نماید، توسعه دهیم.

### نتیجه‌گیری

این دنیا دنیایی است که در آن خطرهای جدیدی و همچنین فرصت‌های جدیدی وجود دارد. اگر اتحادیه اروپا بتواند بازیگری کاملاً مؤثر گردد، این پتانسیل را دارد که سهم و مشارکت عمده‌ای را هم در برخورد نمودن با تهدیدات و هم در کمک نمودن به تحقق عملی فرصت‌ها، به عمل آورد. یک اتحادیه اروپایی فعال و توانا تأثیری را در مقیاس جهانی به جا می‌گذارد. در این راه تأثیرگذاری، اتحادیه اروپا به سیستمی مؤثر و چندجانبه که به تحقق دنیایی عادلانه‌تر و امن‌تر می‌انجامد، کمک خواهد نمود.

اداره همکاری‌های اقتصادی چندجانبه

1. For midable force
2. Exclusive